

(( به نام حضرت دوست ))

**\* حقیقت: نخستین و رایج ترین معنایی است، که از یک واژه به ذهن می رسد. خانه: محل زندگی ، دست: عضوی از بدن ، خاک: ماده ی تشکیل دهنده ی زمین.**

**\* مجاز: به کار رفتن واژه ای در غیر معنی حقیقی، به شرط وجود علاقه و قرینه.**

**\* علاقه: پیوند و تناسبی که میان حقیقت و مجاز وجود دارد و اگر علاقه نباشد، مجاز هم نخواهد بود. رایج ترین علاقه ها عبارتند از: جزئی، کلیه، محلیه، سببیه، لازمی و ...**

**\* قرینه: نشانه ای است، که ذهن را از معنای حقیقی باز می دارد و ممکن است، این نشانه یک واژه باشد؛ یا شرایط زمان و مکان و ... باشد، که مجاز بودن واژه را نشان دهد.**

**\* نکته: کلماتی مانند «شیر» که چند معنی لغوی دارند، مجاز نیستند؛ بلکه تمام معانی این گونه واژه ها حقیقی هستند.**

**مثال ۱: مسابقات کشتی دهه ی فجر در ایران انجام شد و ایران به مقام اول رسید.**

منظور از «ایران اول»؛ «کشور ایران» است و در معنای حقیقی خود به کار رفته است. اما منظور از «ایران دوم»؛ کشور ایران نیست. قرینه و نشانه ای که این معنا را برای ما روشن می سازد، ادامه ی جمله و عبارت «به مقام اول رسید» است. می دانیم هیچگاه یک کشور با تمام مردم و رودها و کوه ها و تمام داشته هایش نمی تواند، روی تشک کشتی برود. پس منظور از ایران باید معنایی دیگر غیر از «کشور ایران» باشد و آن «تیم ملی کشتی ایران» است. علاقه یعنی پیوند و تناسب بین معنای حقیقی و مجازی کلمه، محلیه است. یعنی «ایران» محلی است، که «تیم ملی کشتی» در آن قرار دارد.

## مثال ۲: آفرین جان آفرین پاک را      آن که جان بخشید و ایمان خاک را

عبارت «جان بخشید و ایمان» قرینه و نشانه ی آن است، که واژه ی «خاک» معنای حقیقی ندارد و در معنای مجازی «انسان» به کار رفته است. علاقه و پیوند بین «خاک و انسان»، سببیه است. یعنی «انسان» از «خاک» خلق شده است و «خاک» سبب به وجود آمدن «انسان» شده است.

## مثال ۳: چو آشامیدم این پیمانہ را پاک      در افتادم ز مستی بر سر خاک

واژه ی «آشامیدم» قرینه و نشانه ی آن است، که «پیمانہ» در معنای حقیقی خود به کار نرفته است و مجاز است؛ زیرا «پیمانہ» را نمی آشامند، بلکه «مایع درون» آن را می آشامند. پیوند و علاقه بین «پیمانہ» و «مایع درون آن»، محلیه است، زیرا «پیمانہ» محل قرار گرفتن «مایع» است. واژه ی «خاک» نیز در این بیت معنای حقیقی دارد، زیرا هیچ قرینه ای وجود ندارد؛ که نشان دهد، واژه ی «خاک» معنای دیگری دارد.

## مثال ۴: پیش دیوار آن چه گویی هوش دار      تا نباشد در پس دیوار گوش

عبارت «در پس دیوار بودن» قرینه و نشان دهنده ی آن است، که واژه ی «گوش» معنای حقیقی ندارد و به معنای «انسان» به کار رفته است؛ زیرا یک «گوش» به تنهایی برای گوش دادن، در پس دیوار نمی ایستد؛ و این «انسان صاحب گوش» است، که در پس دیوار ایستاده است. علاقه و پیوند بین «گوش» و «انسان» که معنای مجازی است، جزئیه است. زیرا جزء را گفته ایم و اراده ی کل را داریم.

\* نکته: بین معنای حقیقی و مجازی می تواند بیش از یک علاقه وجود داشته باشد. دقت داشته باشیم؛ در نام گذاری علاقه ها، آن بخش که ذکر می شود، مهم است؛ نه آن بخش که اراده ی آن را داریم. یعنی اگر کل را بگوییم و اراده ی جزء را داشته باشیم، علاقه کلیه و اگر جزء را بگوییم و اراده ی کل را داشته باشیم، علاقه جزئیه خواهد بود.